

کتابفروشی برایش پُر نبود. نشست، برنامه ریخت و پایِ چهره‌های فرهنگی را به مجموعه‌اش باز کرد. یادگاریِ فرهنگی در قلب تهران. از نگاهِ من، او آدمِ کنار زمین نیست - هرچند که نشان داد کاریزهایِ یک سرمربی کنارِ خط را دارد و می‌تواند استقلالِ بحران‌زده را به ساحل آرامش برساند - حیف است او یک سرمربیِ ایرانی باشد. با کارنامه‌ای که قهرمانی جام حذفی ایران هم در آن دیده می‌شود. هرچقدر هم دوستانش بنویسند او بهترین گزینه برای سرمربیگری باشگاه استقلال است و باید بعاند تا پای دلال‌ها را قطع کند. آن‌ها تصویری از کار اجرا ندارند. سرمربی را همه‌کاره می‌دانند، درحالی‌که آب از سرچشمه گل‌آلود است. از مدیریت. از تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری. فوتبالِ این مملکت، آدم‌هایی مثل مجتبی جباری کم دارد. کاش تجربه‌ی علی دایی را تکرار نکند و از چمن به میزِ مدیریتی کوچ کند. سرمایه‌های فوتبال همین‌ها هستند. همان‌ها که مردم را با فوتبال آشتی می‌دهند و اعتماد و اعتبار را به فوتبال برمی‌گردانند. مدیریتِ حُجْمِ رنگ‌رزی نیست ولی آدم‌هایی که هوشِ بالاتری دارند، آینده را می‌بینند، اهلِ فکر و برنامه‌محوری‌اند، شجاع هستند و برای خود ارزش قائل‌اند. چنین افرادی قطعا مدیرانِ کاربلدی از آب درمی‌آیند. فرسنگ‌ها دورتر از امثالِ مهدی تاج و مهدی محمدنبی، فوتبال به آدم‌های سالم نیاز دارد. من، مجتبی جباری را رئیس فدراسیون فوتبال آینده‌ی ایران می‌بینم. کاش خودش هم بداند و بخواهد.